

بررسی تطبیقی نموده‌های اندیشه فروغ فرخزاد و نازک الملائکه

فریده سلامت نیا*

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۹

سعید خیرخواه برزکی**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۳

چکیده

این مقاله به شیوه تحلیلی و کتابخانه‌ای در صدد پاسخگویی به این سؤال اصلی است که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در حوزه اندیشه فروغ و نازک الملائکه است؟ فروغ را نماینده تمام عیار شعر ادبیات زنانه دوره معاصر ایران می‌شناسند و نیز؛ نازک الملائکه به عنوان پایه‌گذار شعر نو در ادبیات عرب و نوع خاص آن، یعنی ادبیات زنانه شناخته شده است. علاوه بر زبان و احساس زنانه، مهم‌ترین ویژگی شعر فروغ و نازک، پزواک و انعکاس زمانه هر دو شاعر در شعرشان است که به صورت استعمار ستیزی، فقر ستیزی، تقدیر گرایی، حدیث نفس، روایتگری، مرد ستیزی، حیرت، اسطوره، گرایش به شب، آنیمیسیم، آرمان‌گرایی نمود پیدا کرده است. هرچند که در بیان برخی مسائل تفاوت‌هایی در اندیشه و بیان آن‌ها مشاهده شد.

کلیدواژگان: زن، شعر، ایران، عراق، فروغ، نازک، اجتماع.

* دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، گروه ادبیات فارسی واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

faridehsalamatnia@yahoo.com

** استادیار ادبیات فارسی، گروه ادبیات فارسی واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

s.kheirkhah44@yahoo.com

نویسنده مسئول: فریده سلامت نیا

مقدمه

ادبیات زمان را می‌سازد و زمان ادبیات را. ادبیات معاصر ایران و عراق نیز تحت تأثیر تحولات اجتماعی، سیاسی و با پشت سر نهادن سنت‌ها، موارث کهن، تماس مستقیم با ادبیات معاصر جهان، آشنایی با مکتب‌های جدید و نهضت ترجمه توانست با حفظ استقلال و هویت فردی وارد مرحله تازه‌ای شود.

روابط فرهنگی بین ایران و عرب به‌ویژه کشور عراق، به عنوان دو کشور هم‌جوار در خاورمیانه و نیز تعاملات فرهنگی، مذهبی و هنری بین آنان از دیرباز رابطه تنگاتنگی بین آن‌ها برقرار کرده است. وضعیت زنان در دو کشور ایران و عراق در گذر زمان دستخوش تحول و دگرگونی‌هایی شده است و با سیری کوتاه تشابهات فراوانی را می‌توان دریافت.

زنان عرب در دوره خلافت عثمانی به دلیل وجود قوانینی بسیار ظالمانه و نابرابر در زمینه حجاب، ازدواج اجباری، تعدد زوجات، محرومیت از تعلیم و تربیت و بسیاری دیگر از محدودیت‌های اجتماعی مورد تبعیض بودند تا اینکه با آغاز دوره نهضت بیداری که با فروپاشی حکومت عثمانی پس از جنگ جهانی اول آغاز گردید و دفاع از حقوق زنان و تلاش در جهت بهبود سطح علمی و فرهنگی آنان مورد توجه اندیشمندان و متفکران در سرزمین‌های عربی شد.

در عراق اولین نشانه‌های جنبش فکری و فرهنگی زنان در دهه سوم قرن بیستم بود و در نیمه‌های چهارم و پنجم از همین قرن، بعد از جنگ جهانی دوم، با ظهور شعر نو، مسأله زنان و دفاع از حقوق آن‌ها در کنار سایر مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه قرار گرفت، و به یکی از محورهای اصلی شعر نو به‌ویژه در اشعار نازک الملائکه و سایر شاعران نوگرا و معاصر عراق مبدل شد. در ایران، نخستین تلاش‌ها برای احقاق حقوق زنان در عصر بیداری (مشروطه) در شعر شاعران شاخص این دوره چون بهار، ایرج میرزا، میرزاده عشقی، تقی رفعت، فرخی یزدی، نسیم شمال و ابوالقاسم لاهوتی آغاز شد و ادامه آن در شعر نو بود. نیز کمال توجه به حقوق زن در شعر فروغ شاعر معاصر بود. شعر فروغ با حضور زن دنیای معاصر کاملاً تازگی داشت زیرا که برای اولین بار زن، به عنوان یک زن، یک انسان به شعر راه یافته بود. در واقع فروغ آن چیزی را می‌دید که مردان و

جامعه نمی‌دیدند و یا به لحاظ فکری با آن فاصله داشتند. انگیزه اصلی بررسی نموده‌های اندیشه دو شاعر ایران و عراق، فروغ و نازک این است که هر دو شاعر از پیشگامان شعر زنانه در شعر معاصر ایران و عراق هستند و به سبب تأثر از عوامل گوناگونی چون اوضاع نامساعد سیاسی-اجتماعی، داشتن روحیه‌ای سریع التأثر و نیز آشنایی با آثار غرب به سرایش مضامین اجتماعی و درونی روی آوردند. نیز سعی شده است از دریچه چشم و احساس و عاطفه و اندیشه دو زن شاعر به جهان و مسائل آن بنگریم و با دغدغه‌های دو زن شاعر در دوره معاصر از دو مکان هم‌جوار آشنا شویم و آیا اگر زنان همچون مردان بدون عوامل بازدارنده در مسیر شناخت گام بردارند در تکامل جوامع انسانی هم‌سنگ و هم‌تراز مردان نخواهند شد؟

پیشینه تحقیق

با بررسی منابع موجود پژوهشی مستقل در زمینه نموده‌های اندیشه فروغ فرخزاد و نازک الملائکه یافت نشد. اما پژوهش‌هایی در زمینه‌های مرتبط با این موضوع دیده شد. از جمله:

۱. «تحول و تعالی اندیشه آرمانی در شعر فروغ فرخزاد» (۱۳۸۷) از رضا صادقی شهپیر. این مقاله به بررسی چگونگی نمود اندیشه دنیای آرمانی در شعر فروغ فرخزاد می‌پردازد و نشان می‌دهد که شاعر در اشعار خود به سبب ناخرسندی و نفرت از دنیای واقعیت و درشتناکی‌ها و ناکامی‌های آن و در آرزوی رهایی از این همه ناگواری، به آفرینش دنیایی سراسر شکوه و آرامش و کامرانی، در فراسوی واقعیت پرداخته است. همچنین نگارنده بر این باور است که اندیشه‌های یادشده، همواره در اشعار فروغ به یکسان بازتاب نیافته و همگام با تحول و پختگی اندیشه و شعرش، او در اندیشه دنیای آرمانی هم به نوعی تعالی دست یافته است.

۲. «بررسی و تحلیل مضامین شعر نازک الملائکه» (۱۳۸۶) از محمود آبدانان مهدی‌زاده و کبری خسروی.

در این مقاله مهم‌ترین مضامین شعر نازک الملائکه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است که عبارت‌اند از غم و اندوه، مسائل سیاسی زمان شاعر، نگاه گذرای او به مسائل

اجتماعی، عشق انسان و زندگی، مرگ در جست‌وجوی سعادت و دنیای آرمانی، بازتاب غربت و بررسی عنصر زمان در اشعار او.

۳. «بررسی تطبیقی تصویر مرگ در شعر فروغ و نازک» (۱۳۹۱) نوشته علی نوروزی و

یسری رابحی.

هدف این مقاله بررسی تطبیقی استعاره مفهومی مرگ در دیوان فروغ فرخزاد و نازک الملائکه می‌باشد. روش کار بر اساس نظریه استعاره مفهومی از نظر نگارنده زبان‌شناسی غربی جرج لیکاف است؛ و نگارنده به این نتیجه رسیده که فروغ فرخزاد توفیق بیش‌تری در خلق زبان شاعرانه و ناب در حوزه استعاره مفهومی مرگ داشته است.

۴. «آرمانشهر در اندیشه فروغ فرخزاد و نازک الملائکه» (۱۳۹۲) اثر محمود حیدری و

سمیه زارع.

نگارنده ابتدا عمده‌ترین دغدغه‌های فروغ فرخزاد و نازک الملائکه را که سبب پی‌ریزی شهری آرمانی گردیده است بیان کرده، سپس ویژگی‌های آرمانشهرهای این دو شاعر را بر می‌شمرد. مهم‌ترین دستاورد های او شامل قرابت فرهنگی- دینی و جغرافیایی در نزدیکی دیدگاه دو شاعر نقش بارزی ایفا می‌کند، آرمانشهر بازتابی از دغدغه‌های اجتماعی و عاطفی فروغ و نازک است. خلق شعرهای آرمانی، بیش‌تر حاصل دوره پختگی و کمال آنهاست. هرچند عوامل شکل دهنده و ویژگی‌های آرمانشهر فروغ و نازک شبیه یکدیگرند، اما تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود. هر دو شاعر به خوبی توانسته‌اند رسالت شاعرانه خود را در بیان درد و رنج ملت خویش ادا کنند.

بررسی تطبیقی زندگی فروغ فرخزاد و نازک الملائکه

بررسی زندگی هر دو شاعر بدون توجه به مؤلفه‌های زمان و مکان، و تأثیر متقابل محیط و شرایط خانوادگی امکان‌پذیر نیست. تأثیر متقابل فرد و جامعه و رویکرد این دو عامل در روند حرکت و توسعه فردی و اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است. ژرف ساخت اندیشه‌های شاعر با انگاره‌های ذهنی، عاطفی و اجتماعی او شکل می‌پذیرد و در نهایت این اندیشه‌ها در فرم‌های هنری و ادبی بروز و نمود می‌یابد و به ثمر می‌نشیند. فروغ و نازک در آفرینش تصاویر زیبا و جذاب از محیط اطراف، از واژه‌های معمول و رسا،

تعبیرات و اصطلاحات ویژه دوره خود بهره می‌جویند. میزان دانش اندوزی، دوستان، خانواده و تحولات اجتماعی زمان مواردی تأثیرگذار بر تفکر و اثر شاعر می‌باشند. تولد نازک در ۱۹۲۳م با فاصله زمانی یازده ساله مقدم بر فروغ است و تولد فروغ در ۱۹۳۴م است.

نازک شاعری شهرنشین از طبقه مرفه است. او از خانواده‌ای برخاسته است که همه اهل علم و ادب به شمار می‌آیند. نازک نیز مدت‌ها در غرب و در ارتباط با فرهنگ بیگانه زیسته است. فروغ نیز شهرنشین است اما از طبقه متوسط برمی‌خیزد. هر دو شاعر طبیعت بهره فراوانی جسته‌اند. مذهب و گرایش‌های مذهبی هر دو شاعر همسو و هم‌جهت است. هر دو شاعر مسلمان هستند ولی هیچ‌کدام از آن‌ها جزو دسته، حزب و گروه خاصی نیستند. هر دو شاعر اندیشه و حیرت و ژرف اندیشی هستند و نسبت به زندگی، انسان، طبیعت و مسایل انسانی ژرف اندیشی کرده‌اند. هر دو شاعر غیر از شعر در نقد نیز مطالبی نوشته‌اند. هر دو با زبانی غیر از زبان خود آشنا هستند و این آشنایی را در شعر خود تأثیر داده‌اند. تاریخ تولد هر دو شاعر مصادف است با اولین تحول‌های اجتماعی و سیاسی کشورشان. فروغ در دی ماه ۱۳۱۳ش به دنیا آمد و کشف حجاب به دستور رضاخان در دی ماه ۱۳۱۳ش صورت گرفت. تولد نازک در سال ۱۹۲۳م رخ می‌دهد، یعنی درست، سه سال پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی. پس از حکومت سلطنتی عثمانی حکومت جمهوری آتاتورک بر سرکار آمد و اولین اصلاحات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ترکیه، مانند عراق، سوریه و فلسطین بی تأثیر نبود. ره‌آورد فروغ و نازک برای شعر معاصر فارسی و عربی، اندیشه‌های بلندی بود که نسل معاصر، شاهد تکامل آن است.

هر دو شاعر، قهرمان میدان نوآوری شدند و شعر فارسی و عربی را متحول کردند. زبان ساده و بهره نبردن از اصطلاحات و لغات دور از ذهن و ایجاز هنرمندانه از ویژگی‌های زبان هر دو شاعر است و نیز؛ یاری جستن از تشبیهات و استعاره‌های زیبا و تخیل و تمثیل برای بیان مقصود نیز از مشترکات آن‌هاست. هر دو به گونه‌ای در جست‌وجوی یوتوپیا (Utopia) هستند امیدواری به دستیابی به سعادت و خوشبختی موضوع بسیاری از سروده‌های آن‌هاست. هرچند از خلال ادبیات نویدبخش، ناامیدی اولیه

نیز آشکار است: ناامیدی از بهبود اوضاع اجتماعی به عبارت دیگر؛ همگونی و هم‌آهنگی بین دو شاعر ایرانی و عراقی دلالت بر نزدیکی و پیوستگی دو زبان شیرین فارسی و عربی است. نیز نزدیکی اندیشه‌ها و افکار.

نمودهای اندیشه فروغ فرخزاد و نازک الملائکه

الف) استعمارستیزی

به طور کلی در شعر فروغ نگرش مستقیم سیاسی کم‌تر نمود دارد و هر زمان به مطلبی اشاره شده است بیش‌تر بعد اجتماعی آن برجستگی دارد. در اشعار «آیه‌های زمینی، دلم برای باغچه می‌سوزد، دیدار در شب، ای مرز پرگهر» از دو مجموعه «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» نشان داده است. در «ای مرز پرگهر» می‌سراید:

«آغوش مهربان مام وطن

پستانک سوابق پرافتخار تاریخی

لالایی تمدن و فرهنگ

و جق و جق جققه قانون

آه

دیگر خیالم از همه سو راحت است

من در میان توده سازنده‌ای قدم به عرصه هستی نهاده‌ام

که گرچه نان ندارد،

اما به جای آن

میدان دید باز وسیعی دارد

که مرزهای فعلی جغرافیایی‌اش

از جانب شمال، به میدان پرتراوت و سبز تیر

و از جنوب به میدان باستانی اعدام

و در مناطق پرازدحام، به میدان توپخانه رسیده است»

(فروغ فرخزاد: ۱۳۴۷: ۳۲۶)

نازک این نمود را به گونه‌ای پررنگ و واضح در اشعارش نشان داده است. وی مورد استعمار را اولین دلیل عقب‌ماندگی عراق می‌داند و راه رهایی از آن را تنها در مبارزه و رویارویی می‌داند، و ساختن جامعه را در کنار آن خواستار است و آشکارا مردم را به وحدت و یکپارچگی می‌خواند و می‌سراید:

«اتحاد القلوب افضل قوس

حين ترمى أیدی الكماه السهاما»

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۳۲۵)

«اتحاد قلبها بهترین کمان است زمانی که دست جنگجویان تیر را پرتاب می‌کند»

«غدا ستعود إلیک الحیاة

تعود مع الوحدة العربیة»

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۴۶۹)

«فردا زندگی با اتحاد و وحدت عربی به سوی تو باز خواهد گشت»

و نیز در اشعار «وردة لعبدالسلام»، «الوحدة العربیة»، «الساعة»، «تحیة الجمهوریة العراقیة»، «شیوعیة» به شکلی برجسته دیدگاه‌های سیاسی و ضد استعماری خویش را بیان می‌کند و درد و مصراع پایانی از شعر «تحیة الجمهوریة العراقیة» چنین می‌سراید:

«تحیا تحیا الجمهوریة

من نعمته الصهیونیة

ومخالبه الأمريکیة»

علت این تفاوت بیان، دیدگاه دو شاعر را درباره اوضاع سیاسی کشور ایران و عراق در آن زمان باید دانست؛ زیرا حکومت رضاخان و پس از آن حکومت محمدرضا به پشتوانه دول غربی، جو سانسور و خفقان در کشور ایجاد شده بود اما در کشورهای عربی پس از فروپاشی حکومت عثمانی با پشتوانه انگلستان در کشورهای تازه استقلال یافته‌ای چون عراق، سوریه و فلسطین حکومت‌های متزلزل و ضعیفی بر سر کار آمدند و به دلیل همین فضای سیاسی شاعران و نویسندگان به راحتی آراء و اندیشه‌های خود را بیان می‌کردند. به‌ویژه پس از روی کار آمدن حکومت جمال عبدالناصر در مصر، روشنفکران عرب - چه شاعران چه نویسندگان - بیش‌تر در جست‌وجوی وحدت عربی بودند.

ب) فقرستیزی

به دلیل فاصله زمانی اندکی که بین دوران زندگی نازک و جنگ جهانی دوم وجود داشته است وی بیش تر به مشکلات روستائیان و مصایب جنگ جهانی دوم پرداخته است، که از فقر و گرسنگی، زندگیشان فلج شده و به مشکلات آنها دامن زده بود.

«ما زالت القرية منذ القدم
اقصوصة ممزوجة بالألم
قصت اساهها الرياح
على شحوب الصباح
تفجری، سیلی و غطی القمم
القی علی القصة ستر العدم»

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱۵۹/۲)

«مدت زمانی است که پیوسته روستاها، قصه‌های آمیخته با درد بوده‌اند/ که بادهای رنج آنها را بر چهره رنگ‌پریده صبح حکایت کرده‌اند/ پس جاری شو و قلعه‌ها را بپوشان/ و پرده نیستی را بر قصه پردرد بیفکن»

در شعر فروغ معضلات شهرنشینی بیش تر به چشم می‌خورد تا زندگی روستائیان. شاید به دلیل نوع زندگی وی و ملموس نبودن این مسایل برای وی باشد و عناصر سازنده شعر وی اغلب از زندگی شهرنشینی نشأت گرفته‌اند، در شعر کسی که مثل هیچ کس نیست:

«کسی می‌آید..»

سفره را می‌اندازد

نان را قسمت می‌کند

پپسی را قسمت می‌کند

باغ ملی را قسمت می‌کند

و شربت سیاه سرفه را قسمت می‌کند..

و سینمای فردین را قسمت می‌کند»

(فروغ فرخزاد، ۱۳۴۷: ۳۵۹)

ج) تقدیرگرایی

نازک اعتقادی سخت به تقدیر و سرنوشت دارد. او انسان را موجودی بی اختیار می‌پندارد که تقدیر، همه چیزش را رقم زده و او توانایی مقاومت در برابر آن و تغییرش را ندارد.

نحن أسرى يقودنا القدر الاعم — — — إلی لیل عالم مجهول

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۳۸۸/۱)

«ما اسیرانی هستیم که سرنوشت کور ما را به سوی دنیای ناشناخته می‌راند»
فروغ بر عکس نازک زندگی عادی را نمی‌پذیرد و با قوانین، عرف و تقدیر می‌ستیزد و خواهان تغییر است، و از مردمی که بی اختیار و اراده از این سو به آن سو می‌روند انتقاد کرده و آن‌ها را «تفاله یک زنده» می‌خواند:

«آیا شما که صورتتان را

در سایه نقاب غم‌انگیز زندگی

مخفی نموده‌اید

گاهی به این حقیقت یأس‌آور

اندیشه می‌کنید

که زنده‌های امروزی

چیزی به جز تفاله یک زنده نیستند»

(فروغ، ۱۳۴۷: ۳۲۰)

د) حدیث نفس

شگرد شعری خاص هر دو شاعر است که به واقعیت‌های بیرونی و درونی خود پرداخته‌اند، و هم ویژگی‌های دریافت شخصیشان را بیان کرده‌اند و هم ویژگی‌های جامعه را به ثبت رسانده‌اند.

«من سردم است و از گوشواره‌های صدف بیزارم

من سردم است و می‌دانم

که از تمامی اوهام سرخ یک شقایق وحشی جز چند قطره خون

چیزی به جا نخواهد ماند»

(فروغ فرخزاد، ۱۳۴۷: ۳۴۵)

«حق با شماست

من هیچ‌گاه پس از مرگم

جرأت نکرده‌ام که در آینه بنگرم

و آنقدر مرده‌ام

که هیچ چیز، مرگ مرا دیگر

ثابت نمی‌کند...»

(فروغ فرخزاد، ۱۳۷۶: ۱۵۷)

در شعر نازک نیز حدیث نفس نمود برجسته‌ای دارد:

«أین أمشی؟ مللتُ الدروب

وسئمت المروج

والعدو الخفی اللجوج

لم یزل یقتفی خطواتی

فأین الهروب؟»

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۷۷/۲)

«کجا بروم؟ راه‌ها را خسته کردم/ و پله‌ها را بیزار کردم/ و دشمن پنهان لجوج/

همچنان در پی گام‌های من می‌آید، پس راه نجات کجاست؟»

«ها أنا تحت دُجیة اللیل

روحٌ مستطارٌ فی هیکل موهون...»

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۴۹۳/۱)

«هان! این منم زیر تاریکی شب/ روحی آواره و پریشان در پیکری سست»

(ه) روایتگری (شیوه روایی)

یکی از ویژگی‌های بارز شعر معاصر ایران و عراق شیوه روایتگری است. فروغ از ایران و نازک از عراق بیش‌ترین بهره را از این رهگذر برده‌اند. هرچند که تصویر در شعر فروغ

نسبت به نازک در درجه پایین‌تری است اما آنچه را که شاعر باید می‌گفته گفته است. شعر فروغ پر از کلام است. «زبان شعری فروغ، زبانی است حرفی و گاه حرفی-تصویری، با دایره وسیع واژگانی و مانورهای خیره‌کننده و بسیار نزدیک به منطق طبیعی کلام مخاطب» (روزبه، ۱۳۸۱: ۲۱۵).

شیوه روایی نازک زمانی که از مسائل سیاسی و اجتماعی سخن می‌گوید شکل حماسی به خود می‌گیرد ولی مضامین عاطفی را با بیانی غنایی و صمیمانه بیان می‌کند. مانند شعر «أغنية لطفلي» سروده:

«ماما ماما ماما ماما

براق الحلو اللثغه ينوی النوما»

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۵۵۲/۲)

«ماما ماما ماما / براق زیبای الکنم- زبان گرفته- می‌خواهد بخوابد» (براق اسم پسر نازک است).

اما در شعر دیگری به نام «الکولیرا» با بیانی حماسی به روایت مضمونی اجتماعی پرداخته است:

«... فی عمق الظلمة،

تحت الصمت، علی الأموات

صرخاتٌ تعلو، تضطربُ

حزن يتدفقُ، يلتهبُ

یتعثر فيه صدی الالهات

فی کل فؤاد غلیانُ

فی الكوخ الساکن أحزان ...»

(همان: ۱۳۸)

«در عمق تاریکی، زیر سکوت، بر مردگان / فریادهایی اوج می‌گیرد، پریشان می‌کند / اندوهی جاری می‌شود، ملتهب می‌کند / پژواک دردها به ارتعاش در می‌آید / در هر قلب خروشان / در کلبه آرام غم‌ها ...»

و) مردستیزی

در دو جامعه ایران و عراق، قانون در برابر مردان از نرمش بیش‌تری نسبت به زنان برخوردار است. در شعر فروغ، مردان با لفظی چون «خودخواه» مورد خطاب هستند.

«بیا ای مرد ای موجود خودخواه

بیا بگشای درهای قفس را

اگر عمری به زندانم کشیدی

رها کن دیگرم این یک نفس را»

(فروغ فرخزاد، ۱۳۴۷: ۳۶)

نازک لفظ «جلاد» را به تمامی مردانی اطلاق می‌کند که دوگانه زندگی می‌کنند، در اجتماع و خانواده متعصب و در خلوتگاه خود چهره دیگری از خود نمایان می‌کنند:

«ويعود الجلاذ الوحشی و يلقى الناس

«العار»؟ و يمسح مُدَيْتَه

- مزقنا العار

ورجعنا فُضلاً بيض السمعة احرار

يا ربُّ الحانة، أين الخمر؟ أين الكأس»

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۲ / ۳۵۲)

«و جلاد وحشی بازمی‌گردد و با مردم روبه‌رو می‌شود/ ننگ؟ و چاقویش را پاک می‌کند/ - عار و ننگ را از بین بردیم/ و بازگشتیم صاحب فضل، با شهرت انسان‌های پاک و آزاده/ ای صاحب میخانه، شراب کجاست؟ جام کجاست؟»

ز) حیرت

هر دو شاعر حس غربت و حیرت انسان در زمان زیستن را به خوبی به تصویر کشیده‌اند، زمان زیستن که سرتاسر آکنده از پرسش و پاسخ است و هرچه بیش‌تر بدانی بیش‌تر آرامش از کف می‌دهی. فروغ و نازک عناصر طبیعی را برای بیان این نمود به خدمت گرفته‌اند. فروغ در شعر «پنجره» می‌سراید:

«آیا زمین که زیر پای تو می‌لرزد

تنهاتر از تو نیست...»

(فروغ فرخزاد، ۱۳۷۶: ۱۴۱)

«کدام قله؟
کدام اوج؟
مگر تمامی این راه‌های پیچ‌پیچ
در آن دهان سرد مکنده
به نقطه تلاقی و پایان نمی‌رسند؟»

(همان: ۱۳۶)

نازک حیرت خود را در شعر «أنا» بدین گونه آشکار می‌کند:

«... اللیل یسأل من أنا
أنا سرُّ القلق العمیق الأسود
أنا صمته المتمرّد
قنعتُ کنهی بالسکون
ولفتتُ قلبی بالظنون
وبقیتهُ ساهمة هنا
أرنو وتسألنی القرون أنا من أکون؟»

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۲ / ۱۱۴)

«شب می‌پرسد که کیستم من / راز او هستم سیاه و مضطرب و ژرف / سکوت سرکش
اویم / کنه و درون خویش را در نقاب خاموشی نهفته‌ام / قلب خود را در گمان‌ها پیچیده‌ام /
و اینجا با وقار ایستاده‌ام / نگاه دوخته‌ام قرون از من می‌پرسند که من کیستم...»

ح) اسطوره (رمز اسطوره‌ای)

قالبی است رمزی که در آن شخصیت‌ها، حوادث و موقعیت‌های وهمی و تخیلی به اشخاص، حوادث و موقعیت‌های مناسب با زمان شاعر یا نویسنده تبدیل می‌شوند. در قدیم به اسطوره به چشم خرافه و حوادث تخیلی نمی‌نگریستند؛ بلکه به آن به عنوان یک حقیقتی نگاه می‌کردند اما در قرن‌های اخیر اسطوره را از دو وجه علمی و تاریخی حوادثی خیالی و غیرواقعی دانسته، و آن را وسیله‌ای کاملاً مجاز برای استفاده توسط

شاعر یا نویسنده می‌شمارند. اسطوره در واقع وسیله‌ای است برای انسان که بتواند به کمک آن از تجربه‌های خود و مسایلی چون ارتباط انسان با خدا، هستی، زندگی، مرگ، شجاعت، ترس و اینگونه موارد سخن بگوید.

نازک با اطلاعات فراوان خود از اسطوره‌های متنوع مختلفی همچون اساطیر یونان، رم، ایران و حتی اسطوره‌های امریکای شمالی مانند «هیواوا» بهره برده و برای بیان اهداف خود از آن‌ها وام گرفته است. نازک از اسطوره یونانی «آپولو» در اشعار «فی الریف»، «مأساة الشاعر»، «یوتوبیا الضائعة» بهره می‌گیرد. از آریس (ایزد خشونت) و مدوز نام می‌برد.

اریس (Iris) اسطوره‌ای یونانی است و خدای خشونت که هیچگونه محبوبیتی بین خدایان ندارد. نازک در منظومه «أغنية للإنسان» به داستان کشته شدن هابیل به دست برادرش قابیل اشاره می‌کند و از اسطوره اریس نام می‌برد تا به خواننده بگوید همیشه اریس‌هایی وجود دارند تا به قتل و کشتار پردازند و امید آمدن هرگونه منجی را برای نجات بشریت از انسان‌ها بگیرند.

«جمعیهها من کل عمر طوته / کف اریس وهو ما زال غضا

القطی لحنها من الموکب الاخ / رس ما بین ثاکلین ومرضی»

(الملائکه، ۱۹۸۶: ۲۷۶/۱)

«جمع کن عمرهایی که دستان آریس آن‌ها را در هم پیچاند در حالی که او همچنان جوان است و شاداب/ از میان بیوه‌ها و بیماران و کجاوه گنگ و لال آهنگ‌ها و ترانه‌هایش را - ترانه‌های آریس - جمع کن»

اسطوره‌های فروغ شرقی و هندی هستند مثل پری، قایق، آینه. از حیواناتی چون گرگ، آهو، بره، مار و پرندگانی چون جغد، پرستو، عقاب، کبوتر، کلاغ، گنجشک، و گیاهانی چون درخت کاج، گل لاله، گل نرگس، باغ و سیب در اشعار خود بهره گرفته است. در واقع اسطوره‌های فروغ بیش تر ریشه در باورهای عامیانه او دارد.

«پری در اوستا پئریکا و در روایت‌های آیینی و متون زرتشتی، ماده دیوی است که در راستای خواست‌های اهریمن کار می‌کند، و هر یک از این دیوان با اهریمن یا یکی از دیوان آیین زرتشت پیوند دارد» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۲۴۵).

در شعر

«من پری کوچک غمگینی را

می‌شناسم که در اقیانوسی مسکن دارد

و دلش را در یک نی لبک چوبین

می‌نوازد آرام، آرام

پری کوچک و غمگینی

که شب از یک بوسه می‌میرد

و سحرگاه از یک بوسه به دنیا خواهد آمد»

(فروغ فرخزاد، ۱۳۴۷: ۴۱۷)

پری را می‌توان استعاره‌ای از خود شاعر، اقیانوس را خانه شاعر و نی لبک را استعاره‌ای از شعر او دانست که تنها مونس زندگی اوست.

ط) عشق

نازک در جامعه‌ای زندگی می‌کرد که زنان در ابراز عشق با محدودیت‌هایی مواجه بوده‌اند و باید برای ابراز عواطف شخصی از رمز و اشاره استفاده می‌کرده‌اند؛ از او به عنوان بانوی شاعر پرجراتی نام می‌برند که توانست در دیوانش طرحی از عشق را به تصویر بکشد. او اولین بار عشق را در دانشگاه تجربه کرد، هرگز از آن با کسی سخن نگفت و آن را به فراموشی سپرد. شاید از آلوده شدن عشقش با هوس هراس داشته است.

«مُل قلبی و قلبک الحب والشوق ولكن نلوذ بالکتمان

کلما حدثتک عینای بالحب

اعاقب عینی بالحرمان»

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱ / ۵۵۵)

«عشق و آرزو قلب من و تو را لبریز کرد ولی ما به پنهان کردن (عشق و آرزو) پناه

بردیم/ هر بار که چشمانم از عشق با تو سخن گفتند آن‌ها را با ندیدنت مجازات کرده‌ام»

فروغ زندگی احساسی و عاشقانه خوبی نداشته است و پس از آن نیز دچار مشکلات

اجتماعی زیادی شده است. بنابراین او هم عشق را وهم زندگی آرام را که زاده عشق

واقعی است بی اساس و سست می‌بیند در عشق‌های دوره اول و تا حدودی دوره دوم نیز، مردان منفی‌ترین چهره و زنان، معصوم و مظلوم‌ترین چهره‌ها هستند. او همچنین گاهی عشق را گناه نیز می‌داند. و همین است که عشق‌های دوره اول پر از بوسه و کنار و غریزی هستند و اصلاً جنبه تقدس ندارند اما در دوران کمال فکری شعری او آن مرد پرجرور و بی‌رحم و بی‌درک به اویی ناشناس و معشوقی اساطیری تبدیل می‌شود:

«لحظه‌ای

و پس از آن هیچ

پشت این پنجره شب دارد می‌لرزد

و زمین دارد

بازمی‌ماند از چرخش

پشت این پنجره نامعلوم

نگران من و توست»

(فرخزاد، ۱۳۷۶: ۳۰۸)

نتیجه بحث

علی‌رغم تفاوت‌های شخصیتی، فرهنگی، مکانی و زمانی می‌توان مضامینی مشترک در آثار شاعران زن سراسر جهان دید که نوشتار زنانه را از دیگر نوشته‌ها متمایز می‌کند. در شعر فروغ و نازک تحت تأثیر شرایط محیطی و اجتماعی با فقر و مظاهر آن می‌ستیزند، و در جست‌وجوی مدینه فاضله و شهر آرزوهای خود هستند و نیز تحت تأثیر اوضاع زمان گرایش به شب در شعرشان نمودی برجسته دارد؛ و نیز سخن از عشق را گاه گناه و گاه غیرجایز می‌دانند. هر دو شاعر در برهه‌ای از عمر خویش دچار حیرت بوده‌اند و اگر بپذیریم که برجسته‌ترین گام در شناخت همانا حیرت است بدون تردید فروغ و نازک در جست‌وجوی حقیقتی بودند که با پرسش و پاسخ سعی در کشف آن داشتند. در دنیای زنانه آن‌ها، زنان مسلط هستند و مردان کمرنگ نشان داده می‌شوند و بالطبع مردستیزی شکلی بارز می‌یابد. در بررسی اشعار فروغ و نازک جلوه‌های درون‌گرایی

حضور چشمگیری دارد و این درون‌گرایی را با پناه بردن به طبیعت بی‌جان، رمزگرایی و بهره‌گیری از اسطوره نشان داده‌اند.



کتابنامه

- اسماعیلی، امیر و ابوالقاسم صدارت. ۱۳۴۷ش، **جاودانه فروغ فرخزاد**، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرجان.
- الملائکه، نازک. ۱۹۸۶م، **الديوان**، بیروت: دار العوده.
- پین، مایکل. ۱۳۸۲ش، **فرهنگ اندیشه‌های انتقادی از روشنگری تا پسا مدرنیته**، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- داد، سیما. ۱۳۸۵ش، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات مروارید.
- روزبه، محمدرضا. ۱۳۸۱ش، **ادبیات معاصر (نظم)**، تهران: انتشارات روزگار.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۷۶ش، **نگاهی به فروغ فرخزاد**، تهران: انتشارات مروارید.
- طاهباز، سیروس. ۱۳۷۶ش، **زنی تنها**، چاپ دوم، تهران: انتشارات زریاب.
- عباس، احسان. ۱۹۹۷م، **اتجاهات الشعر العربي المعاصر**، بیروت: دار الثقافة.
- ندا، طه. ۱۳۸۷ش، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه هادی نظری منظم، تهران: نشر نی.
- ولک، رنه و آوستن وارن. ۱۳۷۳ش، **نظریه ادبیات**، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.
- یاحقی، محمدجعفر. ۱۳۸۶ش، **فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی**، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- یوسف، عزالدین. ۱۹۶۵م، **الشعر العراقي الحديث وأثر التيارات السياسية والاجتماعية فيه**، القاهرة: الدار القومية للطباعة والنشر.